

۱۳۹۸

اصفہا فلسفے مکتبہ

نخستین ہمایش بین المللی

مجموعہ مقالات برگزیدہ

جلد سوم

بسم الله الرحمن الرحيم

مکتب فلسفی اصفهان اصطلاحی مستحدث نزد پژوهشگران عرصه‌ی مطالعات سنت حکمی و عرفانی عالم اسلام است. حکیمان حوزه‌ی اصفهان به خوبی نشان دادند که استمرار واقعی این سنت و انتقال روح آن از عصر فارابی و ابن سینا به بعد، نه از مجرای چهره‌هایی مانند ابن‌رشد اندلسی، که از طریق حکمایی مانند میرداماد، مؤسس مکتب اصفهان میسور است؛ و این طریقی بود که پیشتر به همت حکیمان و عارفانی مانند شیخ اشراق، ابن عربی، خواجه طوسی، ابن‌ترکه اصفهانی، سید حیدر آملی، ابن‌ابی‌جمهور احسایی و اعظم حوزه‌ی شیراز هموار شده بود.

نشاط فکری، رونق حوزه‌های درسی، جامعیت، تلفیق مشارب گوناگون فکری در عین خلاقیت و نوآوری، جمع میان عقلانیت و معنویت، پاسخ‌گویی به پرسش‌های روز و مهم‌تر از همه عرضه‌ی آموزه‌هایی برآمده از روح و باور شیعی، رویداد بزرگی بود که حاصل آن به تعبیر برخی از محققان معاصر **حکمت معنوی تشیع** است. این شیوه‌ی نوین فکری، توجهی ویژه به متن قرآن کریم و روایات و ادعیه‌ی مأثوره از پیشوایان دین داشت که با بهره‌گیری از تأویل توانست خلاء موجود در حکمت اسلامی دوران پیش از خود را به خوبی جبران کند.

حوزه‌ی فلسفی اصفهان، سایر مشارب فلسفی قدما را نیز در بطن خود حفظ و بازسازی کرد و حتی با توانی بیش از قبل، ضامن تداوم آن‌ها شد. از باب نمونه، بیشترین حواشی و تعلیقات بر شفا‌ی شیخ‌الرئیس در همین دوران نگاشته شد؛ متون حکمت اشراق به نحو گسترده شرح و تدریس می‌شد، و عرفان ابن‌عربی نیز همچنان رواج و تداوم داشت. افزون بر این، حکیمان متأله این حوزه، این توفیق را نیز داشتند که مکتب اخلاقی-عرفانی تشیع را قوام بخشیده و به تربیت نفوس و ارتقای معنوی اهل سلوک همت گمارند.

گفتنی است اصطلاح **مکتب فلسفی اصفهان** به جریان خاصی از حکمای اصفهان اطلاق نمی‌شود. در درون این مکتب، افزون بر حوزه‌ی میرداماد و شاگردانش که به **حکمت یمانی** نیز شهرت یافت، **حکمت ایمانی** یعنی طریق خاص فکری و عملی شیخ بهایی، **حکمت تطبیقی** که بر مدار آرای حکمی میرفندرسکی استوار شد، **حکمت متعالیه** صدرایی و بالاخره **حکمت تنزیهی** مالرجبعلی تبریزی نیز جای می‌گیرند.

آنچه از مآثر حکیمان متأله آن عصر طلایی در دوران صفویه از سده یازدهم هجری به بعد بر جای مانده است، مجموعه‌ای گرانسنگ از معارف حکمی به شمار می‌رود که از حیث کمّی و کیفی با هیچ دوره‌ای از ادوار و حوزه‌های از حوزه‌های فرهنگ کهن اسلامی ایران، پیش و پس از آن، قابل مقایسه نیست.

بر بخش بزرگی از این میراث عظیم فکری و معنوی، با گذشت سه- چهار سده، همچنان گرد غربت در کتابخانه‌های شخصی و عمومی نشسته است. آیا جای این پرسش نیست که حتی فهم صحیح حکمت صدرایی - که مشهورتر از سایر مشارب حکمی حوزه اصفهان است- جز با آگاهی بر فعالیت‌های فلسفی زمانه‌ی او و چالش‌های میان او با سایر مکاتب و جریان‌ها چگونه ممکن است؟ نیز چگونه می‌توان به طرح حکمت و فلسفه‌ای زنده، مؤثر و تحرک‌زا در ایران برای مواجهه با مقتضیات عالم معاصر، جز با اِشراف بر آثار و مآثر فلسفی آن عهد باشکوه، توفیق یافت؟

در چند دهه‌ی گذشته استادان و محققانی از جمله شادروان استاد سید جلال‌الدین آشتیانی به پیشنهاد اسلام‌شناس فقید فرانسوی هانری کرین در جهت معرفی آثار حکمای شیعی عصر صفوی به چاپ و انتشار نمونه‌هایی از متون حکمی و عرفانی حکمای اصفهان از میرداماد و میرفندرسکی تا بیدآبادی و نراقی در چهار مجلد مبادرت نمودند. چند سال پیش نیز در همایش بین‌المللی «از اصفهان تا قرطبه» پاره‌ای از متون حکمای اصفهان چاپ و منتشر شد. با وجود این، ثلث آثار حکمی به جای مانده از حکیمان اصفهان نیز هنوز چاپ نشده است؛ از این‌رو به نظر می‌رسید که بهانه‌ی گردهمایی بین‌المللی، می‌تواند زمینه‌ی مناسبی را برای اِیحای آثار این بزرگان فراهم آورد و برای نخستین‌بار به گونه‌ای مستقیم و با محوریت کتب و آثار حکیمان اصفهان عصر صفوی به نشر آن‌ها مبادرت نمود.

پس از اعلام فراخوان **همایش بین‌المللی مکتب فلسفی اصفهان** و آغاز به کار دبیرخانه و کمیته-ی علمی همایش، نخست دست به کاربرسی مقالات رسیده شدیم. این مقالات در سه سطح استادان، دانشجویان و همکاری استاد و دانشجو ارائه گردید که تمامی آن‌ها توسط داوران محترم ارزیابی و پس از تایید نهایی جهت چاپ و انتشار در مجموعه مقالات همایش آماده شد. فهرست مجموعه مقالات همایش بر اساس حروف الفبای نام خانوادگی نویسندگان تنظیم شد و نمایه‌ای نیز بر پایه‌ی حروف الفبای موضوعات مقالات در آخر مجموعه افزوده شد. از آن‌جا که حجم مقالات رسیده گنجایش بیش از یک مجله را داشت و از سوی دیگر در سه سطح مذکور ارائه شده بود، تصمیم گرفته شد که مقالات در سه مجلد چاپ و منتشر گردد. گفتنی است که چون شماری از مقالات دریافت شده از نظر داوران محترم دارای درجه‌ی علمی-پژوهشی بود، مقرر گردید که مقالات مذکور در مجله‌ی علمی پژوهشی تایخ فلسفه وابسته به بنیاد اسلامی حکمت صدرا نیز جداگانه چاپ شود که بدین‌وسیله از مسئولان آن مجله‌ی وزین به ویژه سردبیر محترم آن تشکر و قدردانی می‌شود. افزون بر کار بررسی مقالات رسیده، تصحیح و تحقیق آثاری از حکیمان این حوزه و نیز نگارش کتاب‌های جداگانه درباره‌ی فعالیت‌های فلسفی این دوره و معرفی حکمای اصفهان، در دستور کار دبیرخانه‌ی همایش قرار گرفت.

آن دسته از آثاری که امیدواریم برای این همایش انتشار یابند، از این قرارند:

شرح التائیه الکبریٰ صائن الدین علی ابن التکره اصفهانی، الشوارق ابوالحسن قاتنی کاشانی، الافق المبین میرداماد، رساله الايقاظات فی خلق الاعمال میرداماد، خطفات القدس میر سید احمد علوی، الکلمة الطیبة فیاض لاهیجی، شرح فارسی تهذیب المنطق فیاض لاهیجی، بیان الاسرار (در شرح مصباح الشریعه) شیخ حسین زاهدی، مجموعه رسائل فارسی ملا اسماعیل خاتون آبادی، شرح العرشیه ملا اسماعیل واحد العین، ساقی نامه‌ی ابوطالب فندرسکی، سیر تحول حوزه فلسفی اصفهان از ابن سینا تا ملاصدرا، مکتب فلسفی شیراز، مکتب فلسفی اصفهان، فرهنگ اصطلاحات کلامی فیاض لاهیجی، جریان های فکری حوزه علمیه اصفهان، دیدار با فیلسوفان سپاهان، مکتب فلسفی اصفهان از دیدگاه دانش پژوهان.

البته این گامی است نخست در معرفی میراث حکمی و معنوی تشیع؛ و از آن جا که انتشار این حجم از آثار به جای مانده، کار و برنامه‌ی موسعی را می‌طلبد، تصمیم بر این شد تا قلمرو منشورات نخستین همایش مکتب فلسفی اصفهان، به آثار حکمای عصر صفوی از میرداماد تا حکیم خواجه‌ی اختصاص یابد. این مجال که به لطف و عنایت حق و حسن توجه تنی چند از محققان و فضلالی گرانقدر و شماری از نهادها و مراکز و مؤسسات دینی و پژوهشی فراهم شد، به مثابه‌ی آغاز راه و طلیعه‌ی عرصه‌ای است سرشار از ذخائر علمی و معنوی.

امید آن که بتوانیم با استعانت از توفیقات پروردگار حکیم و مساعدت‌های مسئولان فرهنگی کشور و کلیه‌ی علاقمندان به احیای حکمت اصیل شیعی، گام‌های بعدی و مؤثرتری را در خصوص احیای آثار سایر حکمای اصفهان برداریم.

گروه فلسفه‌ی دانشگاه اصفهان به عنوان برگزارکننده‌ی این همایش، با سپاس از الطاف ایزد بی‌همتا، از کلیه‌ی شخصیت‌های حقیقی و حقوقی، مسئولان اجرایی، اساتید و دانشجویانی که ما را در هر چه بهتر برگزار شدن همایش، امور اجرایی آن، چاپ و نشر آثار و سایر موارد یاری نمودند، صمیمانه تشکر و قدردانی می‌نماید.

۱- اعضای شورای سیاست‌گذاری:

آقایان آیت الله حاج سید محمد خامنه‌ای، حجه الاسلام و المسلمین دکتر عبدالحسین خسروپناه، حجه الاسلام والمسلمین حاج شیخ حسن مظاهری، دکتر محمد حسین رامشت، دکتر محمد بیدهدنی،

دکتر حسین کلباسی، دکتر سید مرتضی سقائیان نژاد، دکتر مهدی جمالی نژاد، دکتر احمد علی فروغی، دکتر محمد فضیلتی، مهندس مصطفی بهبهانی، سردار کریم نصر اصفهانی، مهندس علی کلباسی.

۲- اعضای کمیته‌ی علمی (به ترتیب الفبا):

آقایان دکتر محمدعلی اژه‌ای، دکتر مهدی امامی جمعه، دکتر مرتضی حاج حسینی، دکتر مهدی دهباشی، دکتر علی ربانی، دکتر جعفر شانظری، دکتر مجید صادقی، دکتر محسن محمدی فشارکی، دکتر محمد مشکات، دکتر اصغر منتظر القائم، دکتر سید علی اصغر میرباقری فرد، دکتر حامد ناجی اصفهانی، حجه الاسلام و المسلمین حاج شیخ مجید هادی زاده.

۳- ریاست محترم مرکز مطالعات و پژوهش‌های شورای اسلامی شهر اصفهان جناب آقای مهندس بهبهانی که از حامیان اصلی برگزاری همایش بوده و چاپ سه جلد مجموعه مقالات همایش را نیز بر عهده گرفتند، صمیمانه تشکر می‌نمایم.

۴- دانشگاه‌هایی که در شهر اصفهان حق‌التحقیق صاحبان آثار و منشوراتی که به چاپ خواهد رسید را به عهده گرفته‌اند:

الف) دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان ب) دانشگاه پیام نور استان اصفهان. بدین‌وسیله از رؤسای محترم، معاونین پژوهشی و سایر مسئولان این دو دانشگاه قدردانی و تشکر می‌نمایم.

۵- جناب آقای سعید محمدی دبیر کمیته‌ی اجرایی و نیز دبیر مرکز مطالعات و پژوهش‌های شورای اسلامی شهر اصفهان.

۶- سرکار خانم فریده کوه‌رنگ بهشتی مسئول دبیرخانه‌ی همایش و نیز سایر دانشجویان گروه‌های فلسفه و الهیات (فلسفه و کلام اسلامی).

علی کرباسی زاده اصفهانی
دبیر علمی نخستین همایش
بین‌المللی مکتب فلسفی اصفهان

فهرست مطالب

- حبیب اله ابراهیمی**
تبیین فلسفی اوصاف اخلاقی خداوند در مکتب فلسفی اصفهان بر اساس اندیشه های ملاصدرا ۱۱
- محمد هادی توکلی**
حکیم لاهیجی (حکیم آزاده) ۳۱
- مهدی جمالی نژاد / سید محمد رضا طلاکش**
برنامه ریزی شهری در اسلام و الزامات دنیای مدرن (با تأکید بر مبانی مکتب فلسفی اصفهان) ۵۷
- مهدی راونجی**
بسط تاریخی حیات عقلی اصفهان ۱۰۳
- ایوب رسولی / ابراهیم فیض اله بیگی / حسین فرود / سید سعید توتونچی**
فلسفه نماهای مساجد در مکتب شهرسازی اصفهان ۱۱۳
- محمد رضا زاد هوش**
ارزش مکتب فلسفی اصفهان میراث معنوی ایرانیان ۱۲۵
- یزدان سلطانی**
سایه فلسفه بر هنر "بررسی شاخصه‌های تأثر معماری از مکتب فلسفی اصفهان" ۱۳۳
- الهام صالح / سارا هرزندی / شهلا غفاری جباری**
تأثیر آموزه های مکتب فلسفی اصفهان بر معماری مساجد شیعه ۱۵۷
- پروانه صانعی / محمود عالی پور**
خیام و مکتب فلسفی اصفهان ۱۷۷
- حمید عطایی نظری**
داوری فیاض لاهیجی میان میرداماد و ملاصدرا در مسأله اصالت وجود ۱۹۳
- مهدی کمپانی زارع**
غوری در مواجهه فیض کاشانی با تصوف ۲۱۱
- نرگس معین نجف آبادی**
زنان در مکتب اصفهان ۲۳۷
- سید کاظم مفتاحی**
تأثیرگذاری حکما و فلاسفه اصفهان بر فرهنگ و تمدن ایرانی - اسلامی ۲۵۳
- هژیر مهری**
بن مایه های معرفتی انسان مداری اسلامی با تأکید بر آراء ابن مسکویه رازی ۲۷۵
- محمد نصر اصفهانی**
ابن مسکویه و تکامل انواع ۳۱۵

مجموعه مقالات برگزیده همایش بین‌المللی مکتب فلسفی اصفهان ۱۰

عصمت همتی

وحدت یا کثرت حقیقت وجود با تاکید بر تشکیک خاصى صدر المتالهین ۳۳۷

نمایه عنوان مقالات ۳۶۲

فلسفه نماهای مساجد در مکتب شهرسازی اصفهان

ایوب رسولی^۱ / ابراهیم فیض اله بیگی^۲ / حسین فرود^۱ / سید سعید توتونچی^۱

چکیده

زیبایی همواره به عنوان یکی از مهمترین ابعاد هنر و معماری در طول تاریخ مطرح بوده و تزئین حقیقی نیز به عنوان یکی از روشهای خلق زیبایی در معماری ایران مورد استفاده قرار می‌گرفته است. علی‌رغم امکان دستیابی به نظریات مکتوب انسانها در رابطه با زیبایی و تزئین، در مورد فلسفه و معیار منشأ زیبایی، نظرات متفاوتی ابراز شده است. تزئین در معماری و هنر اسلامی بویژه در مساجد و مراکز مذهبی نقش ویژه‌ای را به خود اختصاص داده است. نماهای شهری از مهمترین عرصه‌هایی است که زبان شهرسازی مکتب اصفهان الفضا، عناصر و قواعد دستوری زبان خود را با ترکیب ویژه‌ای به نمایش می‌گذارد. در این مقاله سعی شده تا ضمن بررسی نظریات مختلف در زمینه زیبایی، نظام ساختمانی نما، عناصر ترکیب نما، قواعد ترکیب، میزان تجانس شکلی نما، دیدگاهی را که به واسطه می‌توان از آثار موجود، هنر و معماری اسلامی را بازیافت، ارائه نمود؛ همچنین دلایل کاربرد وسیع این پدیده را در معماری ایران بویژه در نماهای مساجد مورد تحلیل قرار داد.

واژگان کلیدی: فلسفه، نمای مساجد، مکتب شهرسازی، اصفهان

۱ - دانشجوی کارشناسی ارشد معماری دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تبریز، گروه معماری، تبریز، ایران
۲ - دانشجوی کارشناسی ارشد معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات آذربایجان غربی، گروه معماری، ارومیه، ایران

مقدمه

نابسامانی و اغتشاش حاکم بر منظر شهری ما به مرز شکننده‌ای رسانده است. هر چند منظر شهر، به معنای آنچه از شهر و فضاهای شهری به ادراک آید منحصر به نماهای ساختمان‌های یک شهر نمی‌گردد، به دلایل زیر یکی از مهمترین عناصر منظر شهری می‌باشد.

- طراحی نماهای شهری دلمشغولی و وظیفه مشترک دو حرفه در خلق مکان مناسب برای شهروندان می‌باشد.

- نما یکی از موثرترین و پرنوسان‌ترین عناصر تاثیر گذار بر کیفیت بصری بنا و در نتیجه کیفیت فضاهای شهری است.

- در میان سایر عناصر منظر شهری تاثیرپذیرترین عنصر از تصمیم‌های طراحانه معماران و طراحان شهری است (پاکزاد، ۱۳۸۲، ۵۲).

در بررسی رابطه محیط انسان ساخت و فرهنگ سه رویکرد مطرح است. در رویکرد اول، شهر به مثابه یک پدیده جغرافیایی مکانی، در یک تصویر الگوواره، در مقوله یا گونه‌های خاص قرار می‌گیرد. و شهر با خصوصیتی کاملاً فرهنگی، خود را به مثابه جهان خرد یا یک شهر جهانی به نمایش می‌گذارد (فکوهی، ۱۳۸۳، ۲۹۰). رویکرد دوم، با اتکاء به روانشناسی محیطی، تاثیر متقابل محیط و فرهنگ انسانی را در قالب ویژگی‌های محیط کالبدی، فعالیت انسانی و خصوصیات فرهنگی جامعه بررسی می‌کند (بحرینی، ۱۳۸۴، ۴). رویکرد سوم، شهر را به عنوان سازمان اجتماعی فضایی، تولید کننده فرهنگ و بستر مناسبی برای فرایند فرهنگ سازی معرفی می‌کند (فکوهی، ۱۳۸۳، ۲۸۶). این رویکرد با اتکاء به نظریه هنجاری، دو مولفه فرهنگ شهری و شهر فرهنگی به عنوان اجزای مکمل مورد بررسی قرار می‌دهد (ترابی و همکاران، ۱۳۸۳، ۱۰). با توجه به موارد یاد شده، نماهای شهری به عنوان بخشی از کالبد شهر هم نماد فرهنگ است و هم بازتاب فرهنگ شهر نشینی و هم رعایت اصول شهرنشینی. هم بیان آداب سکونت در شهر است و هم احترام به مقررات شهرنشینی.

فرهنگ لغت فارسی در کاربرد واژه نما عبارات صورت ظاهر، آنچه در معرض دید و برابر چشم است و بعدی از ساختمان که به دیده می‌آید را به کار می‌برند (معین، ۱۳۶۴) و (دهخدا، ۱۳۷۷) و (مشیری، ۱۳۶۹) و (عمید، ۱۳۷۸) تعریف و کاربرد واژه نما در فرهنگ لغت، نشان دهنده این موضوع است که نمای ساختمان چیزی منفک از ساختمان نیست و فارغ از پوششی نهایی برای مقاومت در برابر شرایط جوی، بیان کننده عملکرد ساختمان (انطباق فرم ساختمان با عملکرد آن)، منش، کردار و تفکر ساکنان، به مثابه لولایی اجتماعی، فصل

مشترک فضاهای عمومی و خصوصی می باشد. نما، ارتباط ملموس ساختمان با شهر می باشد. از طریق نما، عناصر طبیعی (نور، باد) به ساختمان نفوذ کرده و ارتباط ساکنان با فضای شهری برقرار می گردد. علاوه بر آن در شکل دهی به سیمای کالبدی شهر، نقش مهمی داشته و فصل مشترک رنگ تعلق داخلی و بیرونی است.

شکل گیری نماهای شهری و نگرش اسلام نسبت به رابطه انسان و خدا

در فرهنگ دینی حقایق باطنی وحی الهی وجه مشترک همه عناصر تشکیل دهنده یک فرهنگ است و عامل وحدت، انسجام و هماهنگی اجزای آن به شمار می رود و در همه ابعاد معنوی آن فرهنگ، از ادبیات گرفته تا حکمت و عرفان و شعر و معماری تجلی و ظهور دارد (اعوانی، ۱۳۷۴، ۴۷). فرهنگ و تمدن هر سرزمین، عمیقاً از مذهب و اندیشه های معنوی آن، متأثر بوده و این تفکر همواره عینیت کالبدی خود را در معماری تجلی بخشیده است (معظمی، ۱۳۸۶، ۱۱). مذهب تصویری مشخص از عالم هستی ارائه داده و سازندگان بناها سعی می نمودند این تصویر را در ساختمان خود نشان دهند (معماریان، ۱۳۸۴، ۳۶۹). عامل فرهنگی به ویژه اعتقادات مذهبی، اساس ایجاد زیستگاه های انسانی بوده است و در نظم دهی به سکونتگاه ها مذهب غالباً به شیوه ای نمادگرایانه عمل می کرده است (راپاپورت، ۱۳۶۶، ۱۹). در فرهنگ اسلامی مسلمانان با جهان بینی اسلامی و اتصاف زیباترین صفت الهی (خلیفه الهی) به خود، محیط زندگی خود را شکل داده است. از آنجا که مسلمان به عنوان عضوی از یک جامعه اسلامی وظایفی را منطبق با شرع و عرف اسلامی به عهده دارد، مسکن او، به عنوان عضوی از کالبد شهر اسلامی وظایفی را به عهده دارد که انعکاس طرز تفکر انسان مسلمان نسبت به موضوعات زندگی و جامعه می باشد. امر به معروف و نهی از منکر، عدالت، پرهیز از فساد، پرهیز از اسراف، هدایت، شکر، تواضع، حیا، تقوی، ذکر، عبودیت، معنادار بودن محیط برای انسان و بالاتر از همه اتکاء به توحید از اصول و ارزش های اعتقادی انسان در شکل دهی به محیط های انسانی در زمینه اسلامی، نامبرده شده است (نقی زاده، ۱۳۸۵).

نماهای شهری از مهمترین عرصه هایی است که زبان شهرسازی مکتب اصفهان الفاظ، عناصر و قواعد دستوری زبان خود را با ترکیب ویژه ای به نمایش می گذارد. واژگان به کار گرفته شده و شیوه ترکیب آنها، ما را در شناخت این زبان یاری می دهد. برای شناخت نحوه

ترکیب نماها جوانب زیر مورد بررسی قرار می‌گیرند:

- نظام ساختمانی نما.
- عناصر ترکیب نما.
- قواعد ترکیب نما.
- محدوده خط نما.
- میزان تجانس شکلی نماها.

با توجه به خصوصیات زندگی که دو زمینه متفاوت را در بر گرفته است، یعنی از سویی زندگی خصوصی در حریم امن و ایمن محلات مسکونی و از سوی دیگر، زندگی اجتماعی در محیط کار و فعالیت در فضاهای عمومی را شامل می‌شده است، از این رو نماها نیز نماهای شهری دوره کهن اصفهان را می‌توان به دو دسته کلی تقسیم کرد: ۱- نماهای مربوط به فضاهای محلات مسکونی و ۲- نماهای مربوط به سایر فضاهای عمومی. در این پژوهش گروه فضاهای عمومی، نماهای مربوط به مساجد بررسی می‌شوند.

نظام ساختمانی نما در مساجد

نظام ساختمانی نماهای مساجد از یک اصل کلی تبعیت می‌کند: نظام باربر در این نماها عمود بر محور فضای گسترده ای واقع می‌شود که فضای عمومی در پیرامون آن قرار گرفته است. که این فضای عمومی، فضای مربع یا مستطیلی که نماهای عمومی، چهار جانب آن را می‌پوشانند. بازشوها، روزن‌ها، تاقنماها و عناصری که در رابطه با عملکرد فضاهای داخلی قرار می‌گیرند، در این قسمت نما واقع می‌شوند. قسمت‌های باربر که غالباً آجری و یا قسمتی آجری و قسمتی سنگی هستند، غالباً بدون اندود در نما دیده می‌شوند. اما در قسمت‌های پرکننده، مصالح مختلف مثل آجر و خشت برای پوشش بدنه و کاشی و گچ برای تزئین به کار رفته است.

- قرارگیری نظام باربر عمود بر محور فضای باز داخلی بنای مسجد.	ویژگی های بیان شکلی
- ایجاد سطوح پرکننده بین قسمت های باربر.	
- قرارگیری روزن ها، بازشوها، تاقنماها و سایر عناصر در قسمت پرکننده.	
- اندود نکردن قسمت های باربر و نمایش مصالح به کار رفته در ساختمان آنها.	
- اندود قسمت های پرکننده با مصالح مختلف مثل کاشی و گچ روی سطوح آجری و یا خشتی.	

عناصر ترکیب نما در مساجد

عناصر ترکیب نما در فضای بناهای مساجد بسیار متنوع اند. مهمترین این عناصر را می توان چنین برشمرد: سطوح صاف آجری که تاقنماها، روزن ها، پنجره ها، درها، شبکه های گچی و چوبی را در خود جای داده اند و یا با کاشیکاری، گچکاری و یا نقوش آجری تزیین شده اند. این سطوح نظام پرکننده نما را می سازند و گاه بجای آن سقف های کاربندی قسمت پرکننده را می پوشانند. در نظام ساختمانی باربر نما، جرزهای پیش آمده آجری که روزن ها و آبروهای بام را نیز در برمی گیرند، عناصر ترکیب نما را تشکیل می دهند. اما نکته قابل توجه نحوه ترکیب این عناصر در نما است که بر حسب نوع بنای عمومی و عملکرد آن متفاوت است (اهری، ۱۳۸۰، ۳۱۲).

قواعد ترکیب نما در مساجد

مساجد به دلیل پیچیدگی عملکردهایی که بر عهده دارند (محل اجتماع نمازگزاران برای ۵ مرتبه در روز)، مکان آموزش مسایل دینی، محل اجتماع مردم برای امور روزمره و اطلاع از وقایع، سرپناهی برای مسافران و راه میان بر برای رسیدن به مقصد (در مساجد دارای چندین دسترسی)، محل بارعام و تالار تشریفات که نمونه آن گنبدخانه و گنبد تاج الملک در مسجد جامع در زمان سلجوقیان است (پیرنیا، ۱۳۷۷). با وجود تنوع فضایی موجود چند شیوه کلی در قاعده ترکیب نمای مساجد دیده می شود که در اغلب آنها مشترک است. در قسمت مرکزی

یک تا چهار جانب حیاط، ایوان ها قرار می گیرند که حداقل یکی از آنها دلالت بر وجود فضای اصلی مسجد در پشت خود می کند. این قسمت با افزایش ارتفاع و ابعاد، موقعیت ویژه ای در نما می یابد که حکایت از رویدادی فضایی در پشت خود دارد. گویا اینکه در مساجد کوچک تر گاه یک یا دو ایوان تنها به منظور تعادل در قرینه ایوان های دیگر ساخته شده اند و به فضایی را نمی یابند (اهری، ۱۳۸۰، ۳۱۳). با وجود اینکه این قسمت نما از قواعد ترکیب متنوعی در قسمت داخلی خود برخوردار است، اما دو گونه ترکیب اصلی را می توان تشخیص داد:

۱- ایوان متشکل از یک تاقی در قسمت پرکننده است که جرزها، طرفین آن را نگه می دارند. شکل تاقی می تواند انواع متنوعی را در برگیرد. جرزهای طرفین گاه حالت جرز ساده را دارند و گاه ترکیبات پیچیده ای را در چند ردیف در بر می گیرند.

۲- ایوان متشکل از یک طاقی در قسمت پرکننده است و در طرفین ردیفی از تاقنماها قرار گرفته اند که تعداد و ترکیب های متفاوتی دارند. ترکیب ایوان با بدنه های جوانب خود، شیوه های متفاوتی می یابد:

در هر صورت ابعاد و قاعده ترکیب متفاوت ایوان، آن را از جوانب خود متمایز می سازد. در جوانب ایوان معمولاً دهانه های کوچک تکرار شونده قرار می گیرند که در یک یا دو طبقه بدنه نما را شکل می دهند. این دهانه ها که نشان دهنده قسمت های پرکننده بین جرزهای پیش آمده هستند، از یکی از قواعد زیر در ترکیب خود پیروی می کند:

	قسمت داخل تاقی خالی است و فضای نیمه بازی را شکل داده که به شبستان منتهی می شود
	قسمت داخل تاقی پر و یکپارچه است که یا در جهت هماهنگی با سایر قسمت های نما شکل گرفته است و پشت آن فضای محصور نیست.
	تمام قسمت داخل تاقی یا قسمتی از آن را روزن پوشانده است. از طریق این روزن ها فضاهای پشتی نور می گیرند. روزن ها گچی، چوبی یا آجری هستند.
	قسمت داخل تاقی بازشوهایی قرار دارند که دسترسی به فضاهای پشتی را میسر می سازند.
	قسمت داخل تاقی را در و پنجره سراسری پوشانده است.

ایجاد ایوان با ارتفاع افزوده در مراکز در یک تا چهار جانب حیاط.	ج ز ر ه ر ز ب ر ک
ایجاد تاقی در قسمت ایوان.	
ایجاد تاقنما در جرزهای پیرامون ایوان.	
تعیبه دهانه های کوچک تکرار شونده در پیرامون ایوان بنا.	
خالی کردن بخشی از سطح پرکننده به شکل تاقی برای ایجاد دسترسی به فضای پشت.	
ایجاد تاقنما و پر کردن آن با سطوح صاف آجری یا تاقچه یا سقف کاربندی.	
ایجاد تاقنما در سطح پرکننده و تعیبه بازشو در تمام یا بخشی از آن.	
ایجاد سطوح مزین به کاشیکاری، گچکاری، نقش برجسته آجری در فاصله بین تاقی درون قسمت های پرکننده و قسمت های پرکننده و قسمت باربر که قاب پیرامون سطوح پرکننده را می سازند.	

محدوده خط نما در مساجد

تنوع عملکردی موجود در مساجد که موجب تنوع فضایی در آن می شود، به نوبه خود سبب تفاوت و گوناگونی در نمای مساجد می گردد. علاوه بر آن با توجه به اینکه مساجد از حیث موقعیت و کارکرد در سطح شهر وضعیت های متفاوتی دارند، اختلاف در مقام و موقعیت مساجد بر گوناگونی نماهای آنها می افزاید. بطور کلی

خط نما در مقطع مساجد یک خط صاف که نشان دهنده پیوسته ای صاف و پیوسته باشد، نیست بلکه با عقب نشستگی در عمق و ارتفاع متفاوت در قسمت های مختلف همراه است. تنها در قسمت هایی از نما که نشانگر جرزها هستند، چنین خط پیوسته ای در مقطع نما دیده می شود. در مساجد بزرگ و پراهمیت، عقب نشستگی در نما در ایوان های چهار جانب مشرف به حیاط ارتفاع و عمق بیشتری و در دهانه تکرار شونده پیرامون ایوان ها عمق و ارتفاع کمتری پیدا می کند. در برخی مساجد پیرامون ایوان دهانه تکرار شونده تاق ها دیده نمی شود بلکه نما به مقدار زیادی عقب می نشیند تا امکان ایجاد تراس هایی را بدهد که استفاده های گوناگونی می یابند.

در مسجد حکیم در نماهای دو طرف حیاط، در دو جانب ایوان‌ها، خط نما در طبقه دوم پیوسته‌ای است که فضای بسته‌ای در پشت خود ندارد (اهری، ۱۳۸۰، ۳۲۶).

در برخی مساجد مثل مسجد مسجد امام و مسجد جامع، خط نما در برخی قسمت‌ها سطح توپری است که شکل بیرونی آن به صورت تاقنماهایی در نمای مسجد دیده می‌شوند. در مساجد دیگر، یک تا سه ایوان در جوانب مختلف حیاط وجود دارد و در پیرامون آنها خط نما بسته به تعداد طبقات مسجد به همان شیوه عقب می‌نشیند تا به شبستان‌ها، فضاهای واسطه و ... راه بیابد.

ویژگی‌های بیان شکلی	سطوحی پیوسته در محل جزهای باربر که به شکل خطوط عمودی در سرتاسر نما وجود دارند و امتداد غالب افقی آن را قطع می‌کنند.
	عقب نشستگی در قسمت‌های مختلف نما با عمق و ارتفاع‌های متفاوت بر حسب کارکرد.
	عقب نشستگی با عمق و ارتفاع بیشتر در ایوان‌ها.
	عقب نشستگی با عمق و ارتفاع کم در دهانه‌های پیرامون ایوان‌ها.
	عقب نشستگی برای ایجاد صافه و مهتابی در جانب ایوان‌ها.
	ایجاد خط نما در طبقات فوقانی یک یا دو جبهه برای خلق هماهنگی با سایر قسمت‌ها بدون وجود فضایی در پس آن.
	ایجاد سطوح پیوسته توپر در خط نما به صورت تاقنما برای محافظت فضاهای داخلی.

میزان تجانس شکلی نما در مساجد

وحدت در نظام ساختمانی، عناصر ترکیب و قواعد ترکیب نماها سبب شده است که نماهای شهری کهن در اصفهان از تجانس زیادی برخوردار باشند. همانگونه که بررسی نظام ساختمانی، عناصر و قواعد ترکیب نماهای شهری نشان داد، تنها نوع بنای عمومی، عملکرد و موقعیت آن در سطح شهر سبب می‌شود که نحوه قرارگیری عناصر نما در کنار یکدیگر فرق کند و آن بنا را از بناهای دیگر متمایز سازد.

گرچه بدلیل نحوه خاص شکل‌گیری نماهای شهری، نماهای مساجد نه تنها در پیوستگی بلکه در توالی قابل مشاهده‌اند. اما بدلیل وحدت شکلی بین بدنه‌های شهری

متصل کننده بناهای عمومی با این بناها، تجانسی کلی در نماهای شهری دیده می شود (اهری، ۱۳۸۰، ۳۳۲).

استفاده از نظام ساختمانی واحد.	شکلی های بیان ویژگی
وجود عناصر ترکیب مشابه.	
وحدت در قواعد ترکیب.	

نتیجه گیری

گسستن از ارزش ها باعث از دست دادن معماری نظام یافته با زندگی مردم شد. مهمترین تهدید آن بی توجهی به آداب و رسوم در شکل دهی به معماری و شهرهاست. هرچه به فرآیند شکل گیری معماری ایرانی توجه شود نتیجه بهتری از نگرش و تقلید صرفاً شکلی از معماری گذشته برای دستیابی به معماری هویت مند عصر خود به دست خواهد داد. چنانچه بررسی مجموعه بناهای شهر اصفهان نشان می دهد که بناهای عمومی با وجودی که از الفاظ و واژگان واحد (نظام ساختمانی و عناصر ترکیب معین) استفاده شده است، اما با قواعد ترکیب متنوع، ساختارهای زبانی متفاوتی برحسب کارکرد، موقعیت و جایگاه شهری و ... ایجاد شده و بدین ترتیب نشانه های متنوع با دلالت های معنایی خاص به وجود آمده است. در نماهای عمومی شهری نحوه ترکیب عناصر و اجزا با ترکیبات متنوع، با رنگ و تزیینات و ... در هر مورد به گونه ای متفاوت و متناسب با منظوری است که فضا برای آن خلق شده است. در حالی که در مساجد، تنوع عناصر مورد استفاده و شیوه های ترکیب متفاوت آنها دال بر رویدادهای فضایی گوناگون است.

فهرست منابع

۱. پاکزاد، جهانشاه، (۱۳۸۲)، پدیدارشناسی نماهای ساختمان‌های مسکونی و سیر تکوینی توقعات از آن، تهران.
۲. فکوهی، ناصر، (۱۳۸۳)، انسان‌شناسی شهری، انتشارات نی، تهران.
۳. بحرینی، سید حسین، (۱۳۸۴)، تحلیل فضای شهری، چاپ چهارم، تهران، دانشگاه تهران.
۴. ترابی، علیرضا و راحله شیراسبی، (۱۳۸۳)، شهر فرهنگی و فرهنگ شهری، شهرداریها، تهران، سال ششم، شماره ۶۴.
۵. معین، محمد، (۱۳۶۴)، فرهنگ فارسی، تهران، امیر کبیر.
۶. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷)، لغت نامه دهخدا، جلد (۱۱)، تهران، دانشگاه تهران.
۷. مشیری، مهشید، (۱۳۶۹)، فرهنگ الفبایی قیاسی زبان فارسی، تهران، سروش.
۸. عمید، حسن، (۱۳۷۸)، فرهنگ لغات عمید، جلد (۳)، تهران، چاپ ششم، امیر کبیر.
۹. اعوانی، غلام رضا، (۱۳۷۴)، یگانگی عمل و نظر معماری در سخن متفکران معاصر، تهران، مجله آبادی، شماره ۱۹، وزارت مسکن و شهرسازی.
۱۰. معظمی، منوچهر، (۱۳۸۶)، گسست‌های فرهنگی در معماری معاصر ایران، تهران، معماری و شهرسازی، شماره ۸۶-۸۷.
۱۱. معاریان، غلامحسین، (۱۳۸۴)، سیری در مبانی نظری معماری، تهران، سروش دانش.
۱۲. راپاپورت آموس، (۱۳۶۶)، منشاء فرهنگی مجتمع‌های زیستی، تهران، ترجمه راضیه رضازاده، دانشگاه علم و صنعت ایران.
۱۳. نقی زاده، محمد، (۱۳۸۵)، معماری و شهرسازی اسلامی (مبانی نظری)، اصفهان، راهیان.
۱۴. اهری، زهرا، (۱۳۸۰)، مکتب اصفهان در شهرسازی، تهران، دانشگاه هنر.
۱۵. پیرنیا، محمد کریم، (۱۳۸۶)، شیوه‌های معماری ایرانی، تهران، دانشگاه علم و صنعت.